;;;;;نگرش دانش آموزان دبیرستانی شهر خرم آباد نسبت به اختلالهای روانی

دکتر میترا صفا✦ علی فرهادی✦✦ بهروز خوردبین✦✦✦

یافته / سال پنجم / شماره ۱۶

چکیده

مقدمه : در سالهای اخیر مطالعات گوناگونی در رابطه با نگرش اقشار مختلف جامعه نسبت به بیماری های روانی انجام شده است که نتایج آن توانسته است با برنامه ریزی بهینه در این مقوله، تحولات مثبتی در بهبود نگرش جامعه ایجاد نماید. هدف از انجام این مطالعه نیز بررسی نگرش دانش آموزان دبیرستانی نسبت به اختلالهای روانی بود.

مواد و روشها : در این مطالعه توصیفی - مقطعی به بررسی نگرش دانش آموزان دبیرستانی نسبت به اختلالهای روانی پرداخته شد. تعداد ۶۰۰ دانش آموز (شامل ۳۰۱ دانش آموز دختر و ۲۹۹ دانش آموز پسر)به صورت تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزار گرد آوری اطلاعات یک پرسشنامه شامل: سوالاتی پیرامون مشخصات دموگرافیک و سنجش نگرش دانش آموزان بود. اطلاعات به دست آمده توسط نرم افزار۹,۱ SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها : نتایج بدست آمده نشان داد که ۵۸/۸ درصد دانش آموزان دارای نگرش منفی و ۴۱/۲ درصد دارای نگرش مثبت نسبت به اختلالهای اعصاب و روان بودند.آزمون آماری t اختلاف معنی داری بین میزان نوع نگرش دانش آموزان دختر و پسر نشان نداد($p> ۰/۰۵$) . بین پایه تحصیلی با نگرش دانش آموزان نسبت به اختلالات اعصاب و روان از لحاظ آماری رابطه معنی دار وجودداشت ($p<۰/۰۵$). ۷۷ درصد دانش آموزان اظهار داشتند در صورت برخورد با بیماران مبتلا به اختلال اعصاب و روان به آنها توصیه مراجعه به پزشک و افراد واجد صلاحیت را می دهند. ۵۴ درصد دانش آموزان، عدم آگاهی و توجه والدین به فرزندانشان را در بروز اختلالهای اعصاب و روان مؤثر دانستند. ۴۶/۳ درصد تنبیه بدنی از طرف معلم و مسئولین مدرسه را در بروز اختلالات اعصاب و روان مؤثر دانستند. ۹۰٪ آنها به آموزش از طریق روانپزشک یا روانشناس در مدرسه علاقه زیادی نشان دادند.

نتیجه گیری : نتایج این مطالعه نشان می دهد نگرش دانش آموزان دبیرستانی شهر خرم آباد نسبت به اختلالات اعصاب و روان در سطح مطلوبی نیست. با توجه به اینکه ریشه بیشتر اختلالهای اعصاب و روان از عدم آگاهی و نگرش نادرست به این مقوله است، ضروری است که با نگاهی ژرف به این مسئله با برنامه ریزی صحیح در جهت تغییر نگرش دانش آموزان گام مؤثری در جهت سلامت و بهداشت روانی نوجوانان برداشته شود.

واژه های کلیدی : نگرش، اختلالهای روانی، دانش آموزان

✦استادیار ـ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان
✦✦مربی ـ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان
✦✦✦پزشک عمومی

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

مقدمه

پیشرفت انسان در دهه های اخیر در علوم مختلف منجمله پزشکی بسیار چشم گیر بوده است و انسان امروزه توانسته پاسخ بسیاری از پرسشها را که در اعصار مختلف برایشان مطرح بوده بیابد. در این میان روانپزشکی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

بیماریهای روانی مانند بیماریهای ارگانیک قابل لمس نیستند و علائم بالینی هشدار دهنده مثل تب و غیره ندارند و به دلیل سیر آهسته مرموز و پیشرونده ، متأسفانه مورد توجه قرار نمی گیرند. مزمن شدن این بیماریها و بالطبع نیاز به هزینه های فراوان، وقت بسیار، حوصله زیاد و اقدامات پیشرفته درمانی از جمله مشکلات بیمارهای روانی است علی رغم اقدامات فوق الذکر بسیاری از این بیماریها به دلیلی پیشرفت شدید و مزمن شدن به خوبی به درمان جواب نداده و جامعه را مورد تهدید قرار می دهد(۱،۲).

متأسفانه به دلیل عدم آگاهی والدین، نوجوانان و جوانان و از همه مهمتر مسئولین مدرسه از مقوله بیماریهای روانی، به جای استفاده از راهکارهای صحیح و اقدامات ساده درمانی با این مسئله به ستیز برخاسته و بر وخامت مشکل می افزایند. هدف از انجام این مطالعه بررسی نگرش دانش آموزان دبیرستانی نسبت به اختلالهای اعصاب و روان است.

مواد و روشها

این مطالعه به صورت توصیفی ، مقطعی انجام گرفت . جامعه مورد مطالعه آن را ۶۰۰ دانش آموز از دبیرستانهای شهرخرم آباد تشکیل می داد که به صورت تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند.

نمونه گیری در دو مرحله صورت گرفت. ابتدا مدارس به عنوان خوشه هایی در نظر گرفته شده و به صورت تصادفی و با توجه به دو عامل (دخترانه و پسرانه و تعداد در هر ناحیه و منطقه) تعیین و سپس در داخل خوشه ها به صورت تصادفی سیستماتیک نمونه مورد نظر از دانش آموزان تعیین می شد. چون از وضعیت نگرش دانش آموزان اطلاعی در دست نبود، برای تعیین حجم نمونه حداکثر میزان نگرش ، با احتمال ۵۰٪ و خطای ۵٪ و با احتمال ۹۵ درصد ۵۰۰ نفر تعیین که با در نظر گرفتن افت نمونه و عدم تکمیل پرسشنامه ۶۰۰ نفر تعیین گردید.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که مشتمل بر دو بخش بود . اطلاعات دموگرافیک و تعداد ۲۸ سؤال نیز برای سنجش نگرش بود، سوالات نگرش سنج دارای طیف سه حالتی: کاملا، تا حدودی و اصلا بود.

برای تعیین پایایی (قابلیت اطمینان) از آزمون مجدد استفاده شد. بدین ترتیب که تعداد ۲۰ پرسشنامه به واحدهای مورد پژوهش ارائه و پس از دو هفته بعد نیز پرسشنامه هایی مجددا داده می شد سپس سؤالات نامناسب حذف و بر اساس نتیجه ی دو آزمون در صورتیکه همبستگی بین سؤالات بیش از ۰/۸ بود، سؤالات انتخاب شدند.

پس از تهیه پرسشنامه و تعیین حجم نمونه و کسب اجازه از مسئولین آموزش و پرورش نواحی یک و دو و با معرفی نامه رسمی به مدارس که به صورت راندوم انتخاب شده بودند ، مراجعه و پرسشنامه در اختیار گروههای نمونه قرار می گرفت. همچنین راهنمایی های لازم در رابطه با موضوع مورد نظر به معلمین و دانش آموزان داده شد و پس از تکمیل ، پرسشنامه ها جمع آوری شد.

اطلاعات به دست آمده پس از کد گذاری توسط نرم افزار SPSS9.1 و با استفاده از آزمونهای آماری توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها

نتایج نشان داد ۳۵۳ نفر از دانش آموزان (۵۸/۸٪) دارای نگرش منفی ۲۴۷ نفر (۴۱/۲٪) دارای نگرش مثبت نسبت به بیماریهای اعصاب و روان بودند.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

میانگین نمره و انحراف معیار نگرش در پسرها ۴/۲۵ ± ۶۴/۰۳ و در دخترها ۴/۳۵ ± ۶۴/۸۹ بود. آزمون آماری t اختلاف معنی داری بین نگرش دو جنس نشان نداد.

۵۱/۴۳ درصد دانش آموزان شاغل به تحصیل در رشته علوم تجربی، ۴۵ درصد رشته های هنرستانی، ۴۱/۱۸ درصد در رشته علوم انسانی و ۳۶/۱۶ درصد دانش آموزان در رشته ریاضی دارای نگرش مثبت نسبت به بیماریهای روانی بودند(جدول شماره ۱).

با افزایش پایه تحصیلی، نگرش دانش آموزان دبیرستانی شهر خرم آباد نسبت به اختلالات اعصاب و روان تغییر کرده بود.آزمون آماری اختلاف معنی داری بین پایه تحصیلی و نوع نگرش نشان داده است.(X^2=۱۲/۸ ،df=۲ ،p=۰/۰۱)

جدول شماره ۱ : نگرش دانش آموزان دبیرستانی نسبت به اختلالهای روانی بر حسب رشته

نگرش / رشته تحصیلی	منفی		مثبت		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
انسانی	۱۳۰	۵۸/۸۲	۹۱	۴۱/۱۸	۲۲۱	۱۰۰
تجربی	۳۴	۴۸/۵۷	۳۶	۵۱/۴۳	۷۰	۱۰۰
ریاضی	۵۸	۶۳/۰۴	۳۴	۳۶/۹۶	۹۲	۱۰۰
کار و دانش	۹۴	۶۰/۶۴	۶۱	۳۹/۳۶	۱۵۵	۱۰۰
هنرستان	۳۴	۵۴/۸۳	۲۸	۴۵/۱۷	۶۲	۱۰۰
جمع	۳۵۰	۵۸/۳	۲۵۰	۴۱/۷	۶۰۰	۱۰۰

از کل دانش آموزان تحت مطالعه ۷۳/۳ درصد اظهار داشتند تا حدودی با بیماریهای اعصاب و روان آشنایی دارند، ۱۲/۲درصد کاملا آشنایی داشتند و ۱۴/۵ درصد آشنایی نداشتند.

۴۰/۲ درصد از دانش آموزان فاقد سابقه بیماری اعصاب و روان در خانواده یا فامیل بودند، ۳۱/۲ درصد سابقه بیماری را ذکر کردند و ۲۷/۸ درصد بیان کردند که اطلاعی نداریم.

۶۱/۳ درصد دانش آموزان تحت مطالعه بیان کرده بودند که در صورت ابتلاء دوستان به بیماری اعصاب و روان ، حاضر به قطع رابطه با او نیستند و ۳۲ درصد روابطشان را تا حدودی محدود می کردند و ۶/۷ درصد قطع رابطه می نمودند.

۶۶/۳ درصد دانش آموزان تحت مطالعه معتقد بودند مشکلات خانوادگی و فشارهای روانی در بروز بیماریهای اعصاب و روان نقش دارد ، ۲۸ درصد نقش کمی قائل بودند و ۵/۷ درصد اعتقادی به این موضوع نداشتند.

از کل دانش آموزان تحت مطالعه ۴۷/۲ درصد مخالف ازدواج با بیمار دچار اختلال اعصاب و روان درمان شده بودند و ۱۷/۳ درصد موافق بودند ۳۶/۵ درصد اظهار داشتند ممکن است با آنها ازدواج کنند.

۶۱ درصد دانش آموزان تحت مطالعه معتقد بودند فرد مبتلا به اختلال اعصاب و روان تا حدودی قادر به ادامه تحصیل است، ۲۱ درصد اظهار داشتند کاملا می تواند ادامه تحصیل بدهد و ۱۸ درصد نظر کاملا مخالف داشتند.

۳۶/۵ درصد دانش آموزان تحت مطالعه، معتقد بودند وضعیت اقتصادی خانواده در بروز بیماریهای اعصاب و روان نقش زیادی دارد و ۱۶/۸ درصد نقش آن را ناچیز می دانستند و ۴۶/۷ درصد نقش متوسطی برای آن قائل بودند.

۵۴ درصد دانش آموزان تحت مطالعه معتقد بودند، عدم آگاهی والدین به فرزندانشان در بروز بیماری روانی تأثیر زیادی دارد و ۳۴/۵ درصد نقش آن را متوسط می دانستند و ۲/۵ درصد آنها تأثیر این مسئله را ناچیز می دانستند.

۴۶/۳ درصد اظهار داشتند تنبیه بدنی از طرف معلم و مسئولین مدرسه در بروز اختلالات اعصاب و روان نقش زیادی دارد. ۱۳/۲ درصد به این مسئله اعتقادی نداشتند و ۴۰/۵ درصد نقش متوسطی برای آن قائل بودند.

۹۰ درصد دانش آموزان تحت مطالعه به آموزش از طریق روانپزشک یا روانشناس علاقه زیادی نشان دادند و ۱۰ درصد آنها از این مسئله استقبال نکردند.

۱۷/۹ درصد دانش آموزان تحت مطالعه مصرف دخانیات و مواد مخدر را در بهبود اختلالات اعصاب و روان کاملا موثر

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

می دانستند و ۵۰/۶ درصد به این مسئله معتقد نبودند و ۳۱/۵ درصد تا حدودی این گونه فکر می کردند.

بحث

در سالهای اخیر مطالعات گوناگونی در رابطه با نگرش اقشار مختلف جامعه نسبت به بیماران روانی انجام شده است که نتایج آن توانسته است با برنامه ریزی بهینه در این مقوله، تحولات مثبتی در بهبود نگرش جامعه در این رابطه ایجاد نماید. پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان نگرش ۶۰۰ دانش آموز دبیرستانی شهر خرم آباد نسبت به اختلالات اعصاب و روان انجام شد.

در این مطالعه نگرش دانش آموزان نسبت به اختلالات اعصاب و روان بر اساس سن و جنس، شغل پدر و مادر، تحصیلات والدین و سوء مصرف مواد، اثرات تنبیه بدنی و... را بیان می نماید. میانگین و انحراف معیار نمره پرسشنامه این افراد نسبت به اختلالات اعصاب و روان ۴/۳۲ ± ۶۴/۴۲ بود. حداکثر نمره کسب شده در پرسشنامه ۷۷ و حداقل ۵۲ بود. با توجه به نمره میانگین، موارد کمتر از میانگین، دارای نگرش منفی و افراد با نمره میانگین و بیشتر به عنوان نگرش مثبت تلقی گردیدند، بدین ترتیب ۵۸/۸ درصد دارای نگرش منفی و ۴۱/۲ درصد دارای نگرش مثبت بودند.

ایکر[1] به این نتیجه رسیده است که نگرش جامعه نسبت به بیماریهای روانی چندان مطلوب نیست(۳)

در مطالعه سیلک[2] در سال ۱۹۸۵ در استرالیا نشان داده شد متغیرهای دموگرافیک تأثیر واضحی در نگرش جامعه نسبت به بیماریهای اعصاب و روانی دارد و افراد با سن بالاتر و تحصیلات کمتر نگرش مثبت تری به مقوله بهداشت روانی داشته اند(۴).

در بررسی راهاو[3] در سال ۱۹۸۴ به متغییرهای سن، تحصیلات و دیانت اشاره شد که بر نگرش افراد به بیماریهای اعصاب و روان تأثیر می گذارد(۵).

در سال ۱۹۹۵ مارتین[4] در کانادا نیز مسائل اجتماعی و دموگرافیکی را بر این نگرش بی تأثیر دانسته است(۶).

در این تحقیق تحصیلات بالاتر و نوع شغل والدین در نگرش فرزندان نسبت به بیماریهای اعصاب و روان تأثیر گذار است. افزایش پایه تحصیلی بر نگرش دانش آموزان دبیرستانی شهر خرم آباد نسبت به اختلالات اعصاب و روان تاثیر می گذارد و آزمون آماری اختلاف معنی داری بین پایه تحصیلی و نوع نگرش را نشان داده است.

۶۱/۳ درصد از دانش آموزان تحت مطالعه در صورت بروز اختلالات اعصاب و روان در دوستان، حاضر به قطع رابطه با او نبودند و ۳۲ درصد روابطشان را تا حدودی محدود می کردند و ۶/۷ درصد قطع رابطه می نمودند.

چانگ[5] در سال ۲۰۰۱ طی مطالعه ای بر روی دانشجویان چینی تبار در آمریکا نتیجه گرفت کسانی که قبلا هیچ برخوردی با بیماران روانی دارای سابقه بستری در بیمارستان نداشته اند، بیشتر تمایل به دوری گزیدن از چنین بیمارانی دارند(۷).

راهاو در مطالعه ای مشابه نتیجه گرفت مردم کمتر راضی به داشتن روابط نزدیک با بیمار روانی می باشند و پذیرای بیماران روانی نیستند(۵).

کیربی[6] در سال۲۰۰۲علت افسردگی و مصرف سیگار در نوجوانان را به دلیل مشکلات خانوادگی و جدایی والدین می داند(۸).

از کل دانش آموزان تحت مطالعه ۴۶/۲ درصد مخالف ازدواج با بیماریهای دچار اختلال اعصاب و روان بودند و ۱۷/۳ درصد موافق بودند و ۳۶/۵ درصد اظهار داشتند ممکن است با آنها ازدواج نمایند.۶۱ درصد دانش اموزان تحت مطالعه معتقد بودند فرد مبتلا به اختلال اعصاب و روان تا حدودی قادر به ادامه تحصیل است. ۲۱ درصد اظهار داشتند کاملا می تواند ادامه تحصیل بدهد و ۱۸ درصد نظر کاملا مخالف داشتند.

۵۹/۸ درصد دانش آموزان تحت مطالعه معتقد بودند فرد مبتلا به اختلال اعصاب و روان تا حدودی قادر به ادامه زندگی

1-Eker 2-Sellik 3-Rahav
4-Martin 5-Chung 6-Kirby

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

موفق است. ۱۹ درصد اظهار داشتند که وی حتما زندگی موفقی دارد ۲۱/۲ درصد نظری کاملا مخالف داشتند.

وستر میر[1] در سال ۲۰۰۱ طی مطالعه ای در رابطه با نگرش جامعه نسبت به بیماریهای روانی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین خانواده را در بروز بیماریهای روانی مؤثر می دانست (۹). در مطالعه حاضر ۳۶/۵ درصد از دانش آموزان تحت مطالعه تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده را در بروز اختلالات اعصاب و روان فراوان می دانستند و ۱۶/۸ درصد نقش آن را ناچیز می دانستند.

همچنین در مطالعه وستر میر در سال ۲۰۰۱ نقش سوء استفاده فیزیکی و تنبیه بدنی را در سیر گرفتاری کودکان و نوجوانان به اختلالات روانی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفت سوء استفاده فیزیکی باعث ایجاد اختلالات روانی و سوء مصرف مواد در دوران بلوغ خواهد شد(۹).

دانش آموزان تحت مطالعه ۴۶/۳ درصد از اظهار داشتند تنبیه بدنی از طرف معلم و مسئولین مدرسه در بروز اختلالات اعصاب و روان نقش زیادی دارد، ۱۳/۲ درصد به این مسئله اعتقاد نداشتند و ۴۰/۵ درصد نقش متوسطی برای آن قائل بودند.

رینود[2] در سال ۱۹۹۹ در آمریکا به نقش حمایت خانوادگی در بیماران روانی اشاره می کند که آموزش درمان نه تنها در بیماران روانی بلکه در اعضای خانواده آنها نیز باید انجام گیرد(۱۰)

مادینانوس[3] در سال ۱۹۹۴-۱۹۷۹ طی مطالعه ای در یونان به تأثیر برنامه ها و اقداماتی که در جهت ارتقاء بهداشت روانی در جامعه است و بیان می کند هر چند نگرش جامعه نسبت به بیماریهای روانی منفی است ؛ ولی این نگرش در حال بهبود است (۱۱).

چانگ در سال ۱۹۹۵ طی مطالعه ای در رابطه با نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به روانپزشکی دریافت که پس از یک دوره کوتاه، آموزش نگرش دانشجویان بهبود یافته است(۱۲).

در مطالعه حاضر نیز ۵۶ درصد دانش آموزان تحت مطالعه حمایت خانوادگی اجتماعی را در بهبود وضعیت بیماران روانی کاملا مؤثر می دانستند و ۳/۲ درصد اعتقادی نداشتند، ۹۰ درصد دانش آموزان تحت مطالعه به آموزش از طریق روانپزشک یا روانشناس علاقه زیادی نشان می دادند و ۱۰ درصد آنها از این مسئله استقبال نکردند.

بطور کلی ۲۵۰ دانش آموز دارای نگرش مثبت بودند. از این تعداد ۵۱/۸ درصد دانش آموزان رشته علوم تجربی، ۴۵ درصد رشته های هنرستان، ۴۰/۹ درصد رشته علوم انسانی و ۳۶/۱ درصد در رشته ریاضی دارای نگرش مثبت بودند. با این وجود آزمون آماری معنی داری نوع رشته و نگرش نسبت به اختلالات اعصاب و روان نشان نداد.

پیشنهاد می شود با توجه به نیاز دانش آموزان به برنامه های آموزشی در خصوص روانپزشکی و روانشناسی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان با همکاری آموزش و پرورش شهر خرم آباد نسبت به برگزاری کلاسهای آموزشی در این رابطه اقدام نماید تا بتوان در جهت بهبود نگرش دانش آموزان گام مؤثری برداشته شود.

References

1-Kaplan HI.Synopsis of psychiatry.New york: Williams & wilkins ,1998 ;P:171.

2-Wagen-blass S.Biographical experiences of children of psychiatrically ill parents, 2001 ; 63(4) :305-318.

3-Eker D.Effect of type of cause on attitudes toward mental illness and relationships between the attitudes. Int J soc psychiatry,1985 Winter ; 31(4) 243-251.

4-Sellick K , Gooder J . Community attitudes toward mental illness : the influence of contact and demographic variables .Aust NZJ psychiatry , 1985 sep ;19(3) :293-298.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]

5-Rahav M , Straening EL , Anderws H. Opinions on mental illness in Israel .Soc Sci Med, 1985;19(11):505-508.

1-Wester-Meyer
2- Renaud
3- Madiannos

6- Martin JL,Romans SE.A communities attitudes towards The Mentally ill. NZ Med J, 1995 Dec;108(1013) :505-508.

7- Chung JF,Chen EY , Liu CS.University students attitudes towards mental patients psychiatric treatment .Int soc psychiatry, 2001 summer ; 47(1):63-72.

8-Kirby JB. The influence of parental separation on smoking initiation in adolescents . J Health soc Behav,2002 Mar; 43(1):56-71

9- Wester-Meyer J,Wahmanholm K, Thuras P.Effects of childhood physical abuse on course and severity of substance abuse . AMJ Addict ,2001 spring;10(2):101-110

10- Renaud J, Brent DA , Birmaher B ,Chiappetta Bridge J. Suicide in adolescents with disruptive disorders .JAM Acad child Adolescent psychiatry,1999 Jul;38(7):846 - 850.

11-Madiannos MG,Economou M. Hatjiandreou M,Papage O,et al.Changes in public Attitudes towards mental illness in Athens area.Acta psychiatry scand,1999 Jan;99(1) : 73-78.

12-Chung MC,Prasher VP.Differences in attitudes among medical students toward psychiatry in one english university.Psycho Rep,1995 Dec; 77(3):843-847.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-25]